

[View the original article](#)

فراتر از خبر

چه آثار متفاوتی درباره جنبش «زن، زندگی، آزادی» نوشته شده است؟

راديو فردا

۲۵/ شهریور/ ۱۴۰۵



چهار سال پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی در بازداشت گشت ارشاد، جنبش «زن، زندگی، آزادی» دیگر فقط مجموعه‌ای از اعتراضات خیابانی در پاییز ۱۴۰۱ نیست. این جنبش، با وجود سرکوب گسترده، به موضوعی برای پژوهش، خاطره‌نگاری و بازخوانی تاریخ معاصر ایران تبدیل شده است.

در فاصله چهار سال گذشته، کتاب‌های متعددی به زبان‌های مختلف درباره خاستگاه‌ها، تجربه زیسته و پیامدهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» منتشر شده‌اند؛ آثاری که هر یک از زاویه‌ای متفاوت تلاش کرده‌اند توضیح دهند چگونه مرگ یک زن جوان در بازداشت پلیس به بزرگ‌ترین موج اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر تبدیل شد.

در این میان، سه کتاب در تلاش برای ثبت و تفسیر «زن، زندگی، آزادی» از سه زاویه متفاوت بوده‌اند: «برای خورشید پس از شب‌های طولانی» نوشته فاطمه جمال‌پور و نیلو تبریزی، «ایرانیان چه می‌خواهند؟ زن،

زندگی، آزادی» نوشته آرش عزیزی و کتاب «زن، زندگی، آزادی؛ بگذار از آن بگویم» نوشته فهیمه روبیول.

یکی، از خیابان‌های تهران و تجربه خبرنگاری می‌آید، دیگری تلاش می‌کند جنبش را در امتداد چند دهه تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران روایت کند و سومی روایت زندگی شخصی یک زن ایرانی را مبنای کتاب قرار می‌دهد.

روایت دست‌اول از اعتراضات

کتاب «برای خورشید پس از شب‌های طولانی»، بیش از هر چیز بر ثبت تجربه مستقیم اعتراضات متمرکز است. خانم جمال‌پور در شهریور ۱۴۰۲ در تهران بود و نیلو تبریزی نیز آن زمان برای روزنامه «واشینگتن‌پست» مقاله می‌نوشت.

خانم جمال‌پور به رادیو فردا می‌گوید: «فکر می‌کنم وجه تمایز کتاب ما با آثار دیگری که درباره "زن، زندگی، آزادی" به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند، این است که شاید تنها کتابی باشد که روایت‌های دست‌اولی از اعتراضات، از خیابان‌های تهران، ارائه می‌دهد. من آن‌جا بودم و هر روز به خیابان انقلاب می‌رفتم، با معترضان صحبت می‌کردم و سعی می‌کردم تصویری دست‌اول از آنچه در حال وقوع بود ارائه دهم».

خانم تبریزی نیز در آن زمان گزارش‌هایی درباره «جمعه خونین» سیستان و بلوچستان نوشت و در آن درباره سلاح‌هایی که استفاده شده بود گزارش داد. گزارش دیگر او درباره چگونگی استفاده نیروهای امنیتی از آمبولانس‌ها بود.

کتاب «برای خورشید پس از شب‌های طولانی» صرفاً روایت چند ماه اعتراض نیست. نویسندگان تلاش کرده‌اند جنبش ۱۴۰۱ را در تاریخ طولانی‌تر مبارزات زنان ایران قرار دهند. به عنوان نمونه، کتاب یک فصل درباره تاریخ مبارزات زنان دارد که از دوران مشروطه آغاز می‌شود و تا امروز ادامه پیدا می‌کند.

جمال‌پور می‌گوید: «ما سعی کردیم از طریق خاطره‌نگاری شخصی، همزمان با یک داستان‌گویی تاریخی، نشان دهیم که مبارزات زنان ایران، که از دوران مشروطه آغاز شده بود، چگونه ادامه پیدا کرده و چه اتفاقاتی برای آن افتاده است؛ از جمله درباره هشت مارس سال ۵۷ تا به امروز، کمپین یک میلیون امضا و دختران خیابان انقلاب».

بخش دیگری از کتاب درباره کار خبرنگاری در ایران و نقشی است که الهه محمدی و نیلو حامدی، در گزارش‌دهی درباره جان باختن مهسا ژینا امینی و خاکسپاری او داشتند. همچنین روایت زنان بند سیاسی زندان اوین نیز در این کتاب آمده است.

جمال‌پور امیدوار است این مجموعه توانسته باشد «تصویری کامل و دست‌اول از یکی از مرتقی‌ترین جنبش‌های اجتماعی قرن اخیر در دنیا» ارائه دهد؛ تصویری که، به گفته او، برای آیندگان باقی بماند.

بیشتر در این باره:

عفو بین‌الملل خواستار تحقیقات کیفری درباره جنایات سرکوبگران جنبش «زن زندگی آزادی» شد



اگر کتاب «برای خورشید پس از شب‌های طولانی» تلاش می‌کند لحظه وقوع اعتراض را ثبت کند، کتاب «ایرانیان چه می‌خواهند؟ زن، زندگی، آزادی» نوشته آرش عزیزی پرسش دیگری را در مرکز قرار می‌دهد: چرا جامعه ایران در سال ۱۴۰۱ به این نقطه رسید؟

آقای عزیزی در گفت‌وگو با رادیو فردا درباره این که چه ضرورتی موجب شد در کتابش یک جنبش چندماهه را در چشم‌اندازی بزرگتر و چند دهه‌ای بررسی کند، می‌گوید: «هدف من این بود که نشان بدهم خواسته‌هایی که در جنبش "زن، زندگی، آزادی" مطرح شده‌اند، یک‌شبه به وجود نیامده‌اند و این‌که ایرانیان چگونه به این‌جا رسیدند که این خواسته‌ها را مطرح کنند، سابقه‌ای طولانی دارد که به ده‌ها سال گذشته برمی‌گردد».

او می‌افزاید: «می‌خواستم به نوعی به تاریخ مبارزات در جمهوری اسلامی اشاره کنم و نشان بدهم که چه اتفاقی افتاده، مردم از کجا به این‌جا رسیده‌اند که جمهوری اسلامی را نخواهند و چگونه به آن مجموعه خواست‌های زیبا و متری رسیدند که نتیجه آن جنبش زن، زندگی، آزادی بود».

در نگاه آرش عزیزی، مهم‌ترین تحول اجتماعی سال‌های گذشته در ایران، تغییر جایگاه زنان است و این تغییر را نمی‌توان فقط در اعتراضات مربوط به حقوق زنان خلاصه کرد. او می‌گوید: «مهم‌ترین تغییر اجتماعی را باید در جایگاه زنان دانست؛ این‌که زنان خودشان را در سطح اجتماعی، در سطح خانواده، در سطح سیاسی و در سطح مملکتی، به عنوان کسانی مطرح کردند که نه فقط مطالبه‌گر هستند، بلکه خواست‌های وسیع اجتماعی دارند و این آمادگی تاریخی را دارند که خودشان را در پیشانی جنبش‌های اجتماعی قرار دهند».

در فصل‌های مختلف کتاب «ایرانیان چه می‌خواهند؟» زنان در پیشانی جنبش‌های مختلف قرار دارند؛ نه فقط جنبش‌های مختص زنان، بلکه جنبش آزادی بیان، جنبش‌های محیط زیستی و جنبش‌های مختلف دیگر.

به گفته عزیزی، این تغییر که زنان خودشان را از آن جایگاهی که جامعه مردسالار یا حکومت مردسالار به آن‌ها داده بود ارتقا بدهند و در جایگاهی قرار بگیرند که در پیشانی رهبری جنبش‌های اجتماعی باشند، مهم‌ترین تغییر اجتماعی است و فراتر از جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز همچنان ادامه دارد.

به عقیده این نویسنده، این که در جنبش «زن، زندگی، آزادی» نه فقط زنان بزرگسال، بلکه نوجوانان و دانش‌آموزان دبیرستانی نیز چنین نقش کلیدی داشتند، بسیار مهم بود: «در جاویدنامه‌های این جنبش و در میان کشته‌شدگان این جنبش نیز همین را می‌بینیم که بسیاری از آن‌ها دختران و زنان جوان هستند».

کتابی که آرش عزیزی نوشت از دو مسیر به جنبش «زن، زندگی، آزادی» نگاه می‌کند: نخست، با دنبال کردن ریشه‌های تاریخی و اجتماعی مطالبات این جنبش؛ و سپس با بررسی موانعی که مانع تبدیل شدن آن به یک نیروی سیاسی سازمان‌یافته شدند.

او می‌گوید: «مهم‌ترین ضعف جنبش "زن، زندگی، آزادی" این بود که جنبش اجتماعی نتوانست رهبری سیاسی خودش را پیدا کند و تشکل سیاسی پیدا کند. علت این هم این است که شما نمی‌توانید رهبری سیاسی را در میان یک جنبش اجتماعی بسازید؛ این اتفاقی است که باید از قبل افتاده باشد».

به عقیده عزیزی، «اپوزیسیون جدی ایران به دلایل مختلف وجود نداشت؛ درون ایران به دلیل سرکوب و بیرون از ایران به دلایل مختلف، از جمله عدم توجه ایدئولوژیک حتی به اهمیت داشتن رهبری سیاسی. فقدان این رهبری باعث شد که این جنبش فقر سیاسی را تجربه کند و این، بدون شک، نقش مهمی در شکست آن داشت».

و سرانجام، کتاب «زن، زندگی، آزادی؛ بگذار از آن بگویم» نوشته فهیمه روبیول از مسیر متفاوتی وارد موضوع جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌شود.

خانم روبیول در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید: «فاجعه کشته شدن مهسا امینی تلنگری بود برای نوشتن این کتاب. البته نویسنده نیستم، اما چنان تحت تأثیر قرار گرفتم که دو تصمیم بزرگ گرفتم: نخست، مبارزه علیه این رژیم را به شکل علنی ادامه بدهم و دوم، کتابی بنویسم که در آن زنی با تحصیلات مهندسی، سه کشور را از دریچه نگاه زنانه‌اش روایت، ترسیم و تحلیل می‌کند».

این کتاب که به زبان فرانسه نوشته شده، اکنون ترجمه فارسی آن به صورت رایگان در دسترس است.

از نظر فهیمه روبیول، جنبش «زن، زندگی، آزادی» هنوز به پایان نرسیده است. او می‌گوید: «امروز جنبش مهسا تحول یافته و با آرمان‌های نمادینش، روخشید، گره خورده است. راهی که هنوز به طور کامل به پیروزی نرسیده است، ولی پیروزی در راه است و نقش ما در این‌جا، در فرانسه، این است که صدای مردم ایران را به گوش تصمیم‌گیرندگان کلان برسانیم».

او تأکید می‌کند: «خواندن این کتاب برای نسل‌هایی که ایران را ندیده‌اند، چه پیش و چه پس از انقلاب، دانه‌ای است برای آشنایی و درک آنچه بر ایران‌زمین گذشته است».

در مجموع، کتاب‌هایی که درباره «زن، زندگی، آزادی» منتشر شدند، حول یک پرسش بنیادین مشترک شکل گرفته‌اند: این که چگونه باید «زن، زندگی، آزادی» را به خاطر سپرد و فهمید؟ شاید پاسخ نهایی به این پرسش هنوز نوشته نشده باشد اما تکرار کتاب‌ها در این زمینه، خود بخشی از تاریخ آن است.

چهار سال پس از جان باختن مهسا، «زن، زندگی، آزادی» هنوز نه فقط یک شعار، بلکه روایتی در حال نوشته شدن است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران